



Res. article

A Minimalist Approach to the Syntactic Position of the Q-Particle ‘aya’ in Persian

Hossein Moghani^{1✉}

1- Ph.D. of Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran

Received: 2020/04/03

Accepted: 2020/11/05

Abstract

The present paper aims to determine the position of the Q-particle ‘aya’ in Persian within the Minimalist framework (e.g. Chomsky, 1995, 2001). To this end, first, evidence is provided against the idea that the Q-particle ‘aya’ is in the head of the Complementizer Phrase (CP) (Lotfi, 2000; 2003). Then, the paper employs some pieces of evidence including the different distributional behavior of ‘aya’ compared to the mood markers, their co-occurrence in the sentence, the hierarchical position of the negation marker as well as the interaction of the modality and mood to argue against the hypothesis that assigns ‘aya’ to the Mood Phrase (MoodP) (Raghibdoust, 1993). Following that, it is proposed that ‘aya’ is placed, by external merge, in the head of the Interrogative Phrase (IntP), aiming to check and value the unvalued [Q] feature on this head, satisfy the requirements of the linear order of Persian, and derive the interrogative interpretation of the clause.

Keywords: Q-Particle ‘aya’; IntP; CP; MoodP; ForceP; Persian.

Citation: Moghani, H. (2021). A Minimalist Approach to the Syntactic Position of the Q-Particle ‘aya’ in Persian. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (31), 77-95. (In Persian)





رویکردی کمینه‌گرا به تعیین جایگاه ساختاری عنصر پرسشی /آیا در فارسی

حسین مغانی[✉]

۱- دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۲۲

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴

چکیده

نوشتار پیش رو کوشیده است تا در چارچوب برنامه کمینه‌گرا (چامسکی، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۱)، جایگاه ساختاری عنصر پرسشی /آیا را در زبان فارسی تبیین نماید. بدین منظور، نخست به ردّ این فرضیه پرداخته شده است که عنصر پرسشی /آیا در این زبان در جایگاه هسته گروه متمم‌نما در ساخت سلسله‌مراتبی جمله قرار دارد (لطفی، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳)؛ سپس، از شواهدی همچون رفتار توزیعی متفاوت عنصر /آیا در مقایسه با سایر عناصر نمودنما، کاربرد هم‌زمان /آیا با این عناصر، جایگاه ساختاری گروه نفی و نیز تعامل وجه با نمود دراستای ردّ فرضیه‌ای بهره گرفته می‌شود که گروه نمود را به‌مثابه فراکنک بیشینه دربرگیرنده عنصر پرسشی /آیا قلمداد کرده است (رقیب‌دوست، ۱۹۹۳). در ادامه، پیشنهاد می‌شود که عنصر پرسشی /آیا با فرایند ادغام بیرونی، در جایگاه هسته گروه پرسشی قرار گیرد تا ضمن بازبینی مشخصه ارزش‌گذاری‌نشده [پرسشی] موجود بر روی این هسته و همچنین برآورده‌ساختن ملزومات ترتیب خطی زبان فارسی، خوانش پرسشی جمله را نیز فراهم نماید.

کلیدواژه‌ها: عنصر پرسشی /آیا، گروه پرسشی، گروه متمم‌نما، گروه نمود، گروه منظوری، فارسی.

استناد: مغانی، حسین (۱۳۹۹). رویکردی کمینه‌گرا به تعیین جایگاه ساختاری عنصر پرسشی /آیا در فارسی. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و

گویش‌های غرب ایران، ۸ (۳۱)، ۷۷-۹۵.



۱- مقدمه

آیا در زبان فارسی عنصری پرسشی^۱ است که به‌طور عمده در جملات پرسشی آری - نه استفاده می‌شود. رخدادهای این عنصر به‌طور غالب محدود به سبک رسمی و ادبی است و کاربرد آن در سبک گفتاری و عامیانه، بسیار محدود است (رقیب‌دوست، ۱۹۹۳: ۹). عنصر پرسشی آیا به‌تنهایی فاقد هرگونه آهنگ خیزان است و تنها پس از کاربرد آن در جمله است که ساخت مورد نظر به‌صورت خیزان (جملات پرسشی آری - نه) ادا می‌شود (لطفی، ۲۰۰۰).

رخداد عنصر پرسشی آیا به‌طور معمول در جایگاه آغازین جمله است (لطفی، ۲۰۰۰؛ رقیب‌دوست، ۱۹۹۳: ۹؛ لازار^۲، ۱۹۹۲: ۲۱۲). با این حال، عنصر یادشده این قابلیت را دارد که در جایگاه‌های متنوع دیگری در جمله نیز قرار گیرد. با وجود انعطاف‌پذیری کمابیش زیادی که در توزیع نشانه پرسشی آیا در جمله دیده می‌شود، جایگاه ابتدایی جمله به‌مثابه جایگاه بی‌نشان و معمول این عنصر قلمداد شده است (رقیب‌دوست، ۱۹۹۳: ۱۰).

با آنکه رخداد عنصر پرسشی آیا در ابتدای جملات پرسشی آری - نه در زبان فارسی منجر به تولید ساخت پرسشی دوقطبی می‌شود، با این حال کاربرد عنصر در این گونه جملات در این زبان اختیاری بوده و عدم تظاهر آن در آغاز جملات پرسشی آری - نه نیز به‌طور کامل امکان‌پذیر است. در چنین حالتی، آهنگ خیزان جمله است که جمله را پرسشی می‌کند، ویژگی‌ای که بیشتر زبان‌ها از آن برخوردارند.

افزون بر جملات پرسشی آری - نه، عنصر پرسشی مورد بحث به‌صورت معدود، در جایگاه آغازین جملات پرسشی دارای عناصر پرسش‌واژه‌ای نیز قرار می‌گیرد (لطفی، ۲۰۰۳: ۱۶۶). با این حال کاربرد این عنصر در جملات پرسشی از نوع پرسش‌واژه‌ای متضمن هیچ‌گونه آهنگ خیزان نیست. اگر فارسی را یک زبان پرسش‌واژه در جای خود بپنداریم (لطفی، ۲۰۰۵؛ کریمی، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳)، آنگاه می‌توان عنصر پرسشی آیا را در این زبان هم‌رده عنصر پرسشی در زبان‌هایی قرار داد که از عنصر پرسشی مشابه و واحدی در ساخت‌های پرسشی آری - نه و پرسش‌واژه‌ای بهره می‌برند. در واقع، این فرض مطرح شده که یکی از مشخصه‌های زبان‌های پرسش‌واژه در جای خود، کاربرد عنصر پرسشی مشترک در جملات پرسشی آری - نه و پرسش‌واژه‌ای است (چنگ^۳، ۱۹۹۱)؛ از جمله چنین عناصری

در زبان‌های دیگر، می‌توان عنصر *ello* در ساردنی^۱ (دل مار وارنل^۲ و دیگران، ۲۰۱۵: ۳۲۱)، عنصر *ya* در زبان هویی^۳، عنصر *ka(no)* در زبان ژاپنی و عنصر *ci* در زبان کره‌ای (چنگ، ۱۹۹۱: ۲۱) را نام برد؛ اما در مورد عنصر پرسشی *آیا* در زبان فارسی از یک‌سو، این فرض مطرح شده است که این عنصر، نقش عنصر متمم‌نما^۴ را ایفا کرده و بنابراین جایگاه آن در هسته گروه متمم‌نما^۵ (گروه منظوری^۶ در چارچوب فرضیه متمم‌نمای انشقاقی^۷) واقع است (لطفی، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳) و از سوی دیگر، فرافکن بیشینه مرتبط با این عنصر در ساخت سلسله‌مراتبی جمله، فرافکن گروه نمود^۸ تلقی شده است (رقیب‌دوست، ۱۹۹۳). این در حالی است که نوشتار پیش رو می‌کوشد تا نخست معین نماید کند که عنصر پرسشی *آیا* در زبان فارسی در چه جایگاهی قرار دارد و در ادامه مشخص کند که فرافکن بیشینه مربوط به این عنصر در فارسی کدام است.

بدیهی است این عنصر پرسشی پیش از این از جهاتی چند بررسی شده است؛ برای مثال، لطفی (۲۰۰۰) معتقد است که برخلاف زبان‌هایی که ساخت جملات پرسشی آری - نه در آن‌ها از نظر تغییر جایگاه فاعل و فعل کمکی صورت می‌گیرد، در زبان فارسی فعل کمکی دست‌خوش جابه‌جایی نمی‌شود و ساخت پرسشی آری - نه در این زبان تنها از رهگذر افزودن عنصر پرسشی *آیا* به جایگاه آغازین جمله به‌دست می‌آید. وی بر این باور است که عنصر یعنی در گونه گفتاری فارسی، جایگزین *آیا* در جملات پرسشی از نوع پرسش‌واژه‌ای و آری - نه می‌شود (لطفی، ۲۰۰۰). از آنجا که عناصر پرسشی پیش‌گفته، تمام جمله را تحت دامنه^۹ خود قرار می‌دهند، بنابراین به‌ضرورت در بالاترین جایگاه ساختاری موجود در جمله قرار می‌گیرند. او جایگاه عناصر پرسشی *آیا* و یعنی را در هسته یک فرافکن بلافصل^{۱۰} مشرف بر گروه تصریف^{۱۱} قلمداد می‌کند و معتقد است که این عناصر، حاوی مشخصه ساختاری [تصریف^{۱۱}] بوده و در عین حال از این قابلیت نیز برخوردارند که این مشخصه را با فعل کمکی یا فعل خودایستایی به اشتراک بگذارند که فرافکن بیشینه آن، متمم هسته گروه متمم‌نما است.

1. Sardinian
2. M. del Mar Vanrell
3. Hopi
4. Complementizer (C)
5. Complementizer Phrase (CP)
6. Force Phrase
7. Split CP Hypothesis
8. Mood Phrase (MoodP)
9. scope
10. Inflection Phrase (IP)
11. Inflection (I)

کهنمویی پور (۲۰۰۱) کاربرد عنصر *آیا* را که به‌طور اختیاری در جملات پرسشی آری - نه استفاده می‌شود، به‌طور عمده خاص سبک فارسی رسمی به‌ویژه نوشتار تلقی می‌کند. لطفی (۲۰۰۳: ۱۷۹) معتقد است که در ساخت‌های پرسشی در فارسی، عناصر پرسشی‌ای همچون *آیا* و یعنی در جایگاه هسته گروه متمم‌نما قرار دارند. او بر این باور است که هسته گروه متمم‌نما از مشخصه [پرسشی] نیز برخوردار است. وی اظهار نظر می‌کند که عنصر پرسشی *آیا* به‌مثابه عنصری متمم‌نما در فارسی همتای عنصر متمم‌نما *whether* در انگلیسی است، اگرچه برخلاف *whether*، عنصر پرسشی *آیا* هم در ساخت‌های پرسشی اصلی و هم در ساخت‌های پرسشی درونه‌ای استفاده می‌شود. او همچنین بر این باور است که در ساخت‌های فاقد عنصر پرسشی، هسته گروه متمم‌نما از مشخصه [پرسشی] برخوردار است، با این حال این مشخصه تظاهر آوایی ندارد (لطفی، ۲۰۰۳: ۱۸۰).

به باور رقیب‌دوست (۱۹۹۳)، *آیا* به‌مثابه عنصری پرسشی در جملات پرسشی آری - نه در زبان فارسی فاقد هرگونه معنای خاص است و هدف از کاربرد آن در جمله، قراردادن تأکید بیشتر روی جمله پرسشی مورد نظر است. او ضمن اعتقاد به اینکه عنصر پرسشی *آیا* در حالت بی‌نشان در جایگاه آغازین جمله قرار دارد، وقوع این عنصر در سایر جایگاه‌های جمله را نیز مجاز برمی‌شمارد؛ بنابراین، معتقد است که یک جایگاه را نمی‌توان برای این عنصر در جملات پرسشی در زبان فارسی در نظر گرفت. او همچنین به‌پیروی از بات و یون^۲ (۱۹۹۱)، این فرضیه را مطرح می‌سازد که عنصر پرسشی *آیا* در جایگاه فراقکن گروه نمود واقع است؛ به‌بیان دیگر، به‌پیروی از پالاک^۳ (۱۹۸۹) که یک گروه نقشی جداگانه را به هریک از مشخصه‌های نقشی تخصیص داده است، بات و یون (۱۹۹۱) نیز معتقدند در همه زبان‌ها باید گروه جداگانه‌ای به نوع یا نمود جمله اختصاص داده شود؛ زیرا اطلاعات مرتبط با تعیین نوع یا نمود جمله ویژگی جهانی به‌شمار می‌رود. براساس این، آن‌ها این گروه را گروه وجه در نظر می‌گیرند؛ اگرچه برخی زبان‌ها فاقد عنصر ویژه‌ای به‌منظور تعیین نوع جمله هستند؛ با این حال، رقیب‌دوست (۱۹۹۳)، عنصر *آیا* و سایر عناصر مشابه در این زمینه مانند مگر و هیچ را عناصری نمودنما در زبان فارسی تلقی می‌کند که ذیل گروه نمود قرار دارند؛ بنابراین، مروری بر آثار اندک موجود در زمینه عنصر پرسشی *آیا* مؤید این واقعیت است که عنصر *آیا* به‌دلیل متداول‌نبودن در سبک گفتار عامیانه، کمابیش مورد غفلت واقع شده و از نظرگاه رویکردهای اخیر به مطالعه دستور، چندان به آن توجه نشده

1. Q

2. R. Bhatt & J. Yoon

3. J. Y. Pollock

است. آنچه در این زمینه اهمیت بیشتری دارد، وجود ناهماهنگی و گاه تناقضی است که در بررسی‌های صورت‌گرفته در زمینه این عنصر در زبان فارسی مشاهده می‌شود.

۲- دستور کمینه‌گرا

چارچوب نظری پژوهش حاضر، برنامه کمینه‌گرای چامسکی^۱ (۱۹۹۵ و ۲۰۰۱) است. چارچوب اصلی برنامه کمینه‌گرا بر اصل اقتصادی بودن استوار است؛ از یک سو، اشتقاق‌ها و سطوح نحوی تشکیل‌دهنده توانش زبانی باید مطابق با معیار اقتصاد^۲ باشند (لزنیک^۳، ۲۰۰۲) و از سوی دیگر، جملات باید با کمترین هزینه تولید شوند (چامسکی، ۱۹۹۵: ۸۱). از مفاهیم اساسی در این برنامه، فرایند ادغام^۴ و حرکت^۵ است. فرایند ادغام که فرایندی بی‌هزینه^۶ به‌شمار می‌رود، دو سازه نحوی مختلف را گزینش^۷ می‌کند و با ترکیب آن‌ها با یکدیگر در یک قالب خاص، سازه جدیدی را با عنوان خاصی در درخت نحوی به وجود می‌آورد (سورن^۸، ۲۰۰۴: ۳۴).

درمقابل، فرایند حرکت نیز تحت تأثیر مشخصه‌های صرفی‌ای (مانند حالت، جنسیت، شمار، شخص، زمان، وجهیت و...) صورت می‌گیرد که باید بازبینی^۹ شوند (سورن، ۲۰۰۴: ۳۷). درواقع، مشخصه‌ها در برنامه کمینه‌گرا از اهمیتی اساسی برخوردارند؛ زیرا فرایندهای نحوی تحت تأثیر آن‌ها صورت می‌گیرند. به‌طور کلی، دو گروه از مشخصه‌ها در برنامه کمینه‌گرا مفروض است: مشخصه‌های تعبیرپذیر^{۱۰} و مشخصه‌های تعبیرناپذیر^{۱۱}. درحالی که مشخصه‌های تعبیرناپذیر به‌صورت ارزش‌گذاری نشده^{۱۲} وارد فرایند اشتقاق نحوی می‌شوند، مشخصه‌های تعبیرپذیر ماهیتاً ارزش-گذاری شده هستند (سیتکو^{۱۳}، ۲۰۱۴: ۱۴).

در رویکرد جدیدتر به برنامه کمینه‌گرا که رویکرد کمینه‌گرای مؤخر^{۱۴} نامیده شده است

1. N. Chomsky
2. economy
3. H. Lasnik
4. merge
5. move
6. costless
7. select
8. P. A. M. Seuren
9. check
10. interpretable
11. uninterpretable
12. unvalued
13. B. Citko
14. Late Minimalism

(هورنستاین^۱، ۲۰۰۹: ۱۲۸)، فرایند ادغام به دو دسته ادغام بیرونی^۲ و ادغام درونی^۳ تقسیم شده است (چامسکی، ۲۰۰۱). ادغام بیرونی همانند ادغام در مفهوم اولیه و ادغام درونی معادل حرکت تلقی شده است (هورنستاین، ۲۰۰۹: ۱۲۸). این دو فرایند، فرایندهای متفاوتی نیستند؛ بلکه تظاهرات مختلف یک فرایند به‌شمار می‌روند (هورنستاین، ۲۰۰۹: ۱۲۸). براساس این، در پژوهش حاضر، تجلی عنصر پرسشی *آیا* در سمت چپ جمله از نوع ادغام بیرونی و تحت تأثیر بازبینی مشخصه ارزش‌گذاری نشده [پرسشی] تلقی می‌شود.

۳- بحث و بررسی

در این بخش، ابتدا به ردّ این فرضیه پرداخته می‌شود که عنصر پرسشی *آیا* در جایگاه هسته گروه متمم‌نما قرار دارد (لطفی، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳). در ادامه، شواهدی در راستای مخالفت با فرضیه تلقی فرافکن بیشینه نمود به‌مثابه جایگاه عنصر پرسشی *آیا* (رقیب‌دوست، ۱۹۹۳) بیان می‌شود. در بخش بعد، ضمن مستثنی کردن برخی از گروه‌های نقشی موجود در حاشیه سمت چپ^۴ جمله به‌منزله جایگاه عنصر پرسشی مورد مطالعه، گروه بیشینه متفاوتی به‌مثابه جایگاه این عنصر پیشنهاد می‌شود.

۳-۱- ردّ هسته گروه متمم‌نما به‌عنوان جایگاه عنصر پرسشی *آیا*

در ساخت‌های پرسشی در فارسی این فرض مطرح شده است که این گروه از عناصر در جایگاه هسته گروه متمم‌نما قرار دارند (لطفی، ۲۰۰۳). در گام نخست، این فرض توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد؛ زیرا این یافته با ترتیب خطی جملات پرسشی در این زبان که کاربرد عنصر پرسشی *آیا* در جایگاه آغازین جمله، در مقایسه با سایر جایگاه‌ها در جمله، بی‌نشان تلقی می‌شود، سازگاری نشان می‌دهد:

۱) الف. آیا حضور بانوان در ورزشگاه‌ها غیر قانونی است؟

ب. ! حضور بانوان آیا در ورزشگاه‌ها غیر قانونی است؟

پ. ! حضور بانوان در ورزشگاه‌ها آیا غیر قانونی است؟

ت. ! حضور بانوان در ورزشگاه‌ها غیر قانونی است آیا؟

این امر برای آن‌دسته از جملات پرسشی از نوع پرسش‌واژه‌ای که عنصر پرسشی *آیا* در ساخت آن‌ها

1. N. Hornstein
2. external merge
3. internal merge
4. left periphery

استفاده شده است نیز مصداق می‌یابد:

۲) الف. آیا چه کسی مسئول رسیدگی به این شکایات است؟

ب. ! چه کسی آیا مسئول رسیدگی به این شکایات است؟

پ. ! چه کسی مسئول رسیدگی به این شکایات است آیا؟

مثال‌های پیش‌گفته ضمن اینکه کاربرد عنصر پرسشی *آیا* را در جایگاه‌های مختلف جمله مجاز می‌شمارند، بر صدق این نکته نیز تأکید می‌کنند که در حالی که کاربرد این عنصر در جایگاه آغازین جمله بی‌نشان تلقی می‌شود (مثال ۱ الف و ۲ الف)، رخداد آن در سایر بافت‌ها، ساختی نشان‌دار (با علامت!) ایجاد می‌کند (مثال‌های ۱ ب-ت و ۲ ب-پ)؛ بنابراین، همان‌گونه که مشاهده می‌شود، با توجه به رخداد عنصر پرسشی *آیا* در حالت بی‌نشان در جایگاه آغازین جمله، این امر طبیعی به نظر می‌رسد که بتوان بالاترین جایگاه در ساخت سلسله‌مراتب نحوی جمله را برای این عنصر و سایر عناصر همتای آن در نظر گرفت؛ اما بررسی دقیق‌تر داده‌های فارسی نشان می‌دهد که اگرچه این فرضیه ممکن است کاربرد عنصر پرسشی *آیا* را در بندهای اصلی به‌درستی تبیین نماید، با این حال در تبیین مثال‌هایی همچون (۳ الف-ت) و (۴ الف-پ) ناتوان می‌ماند:

۳) الف. این بحث مطرح است [CP که آیا حضور بانوان در ورزشگاه‌ها غیر قانونی است؟]

ب. ! این بحث مطرح است [CP که حضور بانوان آیا در ورزشگاه‌ها غیر قانونی است؟]

پ. ! این بحث مطرح است [CP که حضور بانوان در ورزشگاه‌ها آیا غیر قانونی است؟]

ت. ! این بحث مطرح است [CP که حضور بانوان در ورزشگاه‌ها غیر قانونی است آیا؟]

۴) الف. لازم است بدانیم [CP که آیا چه کسی مسئول رسیدگی به این شکایات است؟]

ب. ! لازم است بدانیم [CP که چه کسی آیا مسئول رسیدگی به این شکایات است؟]

پ. ! لازم است بدانیم [CP که چه کسی مسئول رسیدگی به این شکایات است آیا؟]

در زبان فارسی این فرض کمابیش پذیرفته شده است که در ساخت‌های درونه‌ای از نوع بند متممی که عنصر که به‌صورت آشکار یا پنهان در جایگاه آغازین آن‌ها حضور دارد، این عنصر نقش عنصر متمم‌نما را ایفا می‌کند و از این رو در جایگاه هسته گروه متمم‌نما قرار دارد (رقیب‌دوست، ۱۹۹۳: ۱۰؛ کریمی، ۲۰۰۸؛ درزی، ۲۰۰۸؛ قمشی، ۲۰۱۳)؛ از این رو، با قبول این فرض که هسته گروه متمم‌نما در ساخت‌های پرسشی غیر مستقیم یا درونه‌ای جایگاه عنصر متمم‌نمای که است و نیز با استناد به جملاتی

مانند (۳) و (۴)، می‌توان استدلال کرد که عنصر پرسشی *آیا* به جایگاه دیگری پایین‌تر از جایگاه هسته گروه متمم‌نما تعلق دارد. تظاهر آشکار زنجیره‌*که آیا* در مثال‌های (۳ الف) و (۴ الف) به‌خوبی گویای این حقیقت است؛ بنابراین، اگر صحت استدلال پیش‌گفته را بپذیریم، این ادعای لطفی (۲۰۰۳ و ۲۰۰۰: ۷۹) غیر قابل قبول می‌نماید که هسته گروه متمم‌نما در جملات پرسشی [مستقیم و غیر مستقیم] در زبان فارسی، حاوی عناصری پرسشی مانند *آیا* (و یعنی) به‌مثابه متمم‌نما و نیز مشخصه‌ای [پرسشی] است:

5) a. *madar mixahad bedanad aya/Ø tou berasti baradar-at ra didi.*
 mother wants know-subj whether you really brother-your case met.

‘مادر می‌خواهد بداند *آیا* تو به‌راستی برادرت را دیدی.’

b. *Aya/Ø madar berasti in ra mixahad?*

q mother really this case want

‘*آیا* مادر به‌راستی این را می‌خواهد؟’

(لطفی، ۲۰۰۳: ۱۷۹)

در بخش بعد گروه پیشینه‌ای بررسی می‌شود که میزبان این عنصر در ساخت نحوی جمله در زبان فارسی است.

۳-۲- ردّ فرضیه فرافکن پیشینه نمود به‌مثابه جایگاه عنصر پرسشی *آیا*

در بخش قبل استدلال شد که عنصر پرسشی *آیا* در جایگاهی پایین‌تر از جایگاه هسته گروه متمم‌نما قرار دارد. این امر ضمن اینکه مستلزم نقض فرضیه تلقی عنصر پرسشی *آیا* به‌منزله عنصر متمم‌نما در جایگاه هسته این گروه است، در نظر گرفتن گروه دیگری به‌مثابه فرافکن میزبان عنصر پرسشی *آیا* را نیز اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در ادامه، شواهدی در راستای ردّ فرضیه گروه نمود به‌منزله جایگاه عنصر پرسشی *آیا* (رقیب‌دوست، ۱۹۹۳) ارائه می‌شود.

نخستین شاهد در زمینه ردّ گروه نمود به‌مثابه گروه دربرگیرنده عنصر پرسشی *آیا*، رفتار توزیعی متفاوت این عنصر در مقایسه با عناصر نمودنما در فارسی است. توضیح آنکه، همان‌گونه که پیش از این گفته شد، عنصر پرسشی *آیا* از انعطاف‌پذیری توزیعی زیادی برخوردار است؛ به‌طوری که کاربرد آن کمابیش در همه جایگاه‌های ممکن در جمله، ساخت‌هایی دستوری و قابل قبول تولید می‌کند (مثال‌های ۱ تا ۲)، اگرچه ممکن است چنین جملاتی به‌لحاظ میزان نشان‌داری، از کیفیت‌ها و درجات مختلفی برخوردار باشند.

این در حالی است که عناصر نمودنما در فارسی به‌طور کامل مقید و بافت‌محور هستند. به‌پیروی از طالقانی (۲۰۰۸: ۲۹) می‌پذیریم که زبان فارسی دو نمود خبری^۱ و التزامی^۲ دارد که دارای تظاهر صرفی آشکار روی فعل [اصلی] هستند: نمود خبری^۳ به‌وسیلهٔ پیشوند می (مانند می‌بره) و نمود التزامی از نظر پیشوندهای «بُ»، «بِ» و «بی» (به‌ترتیب، بُخوره، بگیری و بیاره) نشان داده می‌شود. از آنجا که پیشوندهای پیش‌گفته از نوع وابسته به‌شمار می‌رود و کاربرد آوایی و صرفی آن‌ها مستلزم وجود عنصر واژگانی فعلی به‌متابۀ میزبان است، بنابراین همواره توزیع آن‌ها نسبت به سازهٔ فعلی قابل پیش‌بینی است. شاهد دوم در این زمینه، کاربرد هم‌زمان عنصر پرسشی *آیا* و عناصر نمودنمای می و «بُ»، «بِ» و «بی» در برخی ساخت‌های فارسی است:

(۶) *آیا* همه باید بروند؟^۴

(۷) لازم است مشخص شود [CP که *آیا* همه باید در انتخابات شرکت بکنند؟]

(۸) *آیا* چرا باید آزادی از مردم سلب بشود؟

(۹) در تلاش بود بدانند [CP که *آیا* چرا کسی باید این‌گونه برخورد بکند؟]

در همهٔ مثال‌های پیش‌گفته، عنصر پرسشی *آیا* با پیشوند التزامی‌ساز «ب» به‌متابۀ عنصری نمودنما هم‌بافت است. در ساخت‌هایی از این دست، رخداد توأمان عنصر پرسشی *آیا* و عناصر نمودنما در انواع جملات پرسشی اعم از ساخت‌های پرسشی مستقیم و غیر مستقیم آری - نه و نیز ساخت‌های پرسشی مستقیم و غیر مستقیم پرسش‌واژه‌ای در زبان فارسی قابل پیش‌بینی است. این امر ضمن دلالت بر کاربرد آزادانهٔ عنصر پرسشی *آیا* در انواع جملات پرسشی در این زبان، رخداد هم‌زمان این عنصر یا عناصر نمودنما را نیز آشکار می‌سازد؛ رخداد این دو نوع عنصر به‌طور هم‌زمان و در یک ساخت، مبین این واقعیت است که دو عنصر مورد نظر از ماهیت متفاوتی برخوردار بوده و نیازمند تخصیص فراقن‌هایی جداگانه در ساخت نحوی جمله هستند.

شاهد سوم در همین ارتباط، برگرفته از شیوهٔ تعامل عنصر پرسشی *آیا* با نشانهٔ نفی جمله است. در

1. indicative

2. subjunctive

۳- برخی، از جمله درزی و کواک (۲۰۱۵) و ماهوتیان (۱۹۹۷: ۲۴۴)، نمود خبری در فارسی را فاقد هرگونه نشانهٔ تکوازشناختی می‌دانند.

۴- بدیهی است پیشوند التزامی‌ساز «ب» به‌طور عمده به‌صورت اختیاری قابل حذف است که در چنین حالتی همچنان به‌متابۀ عنصر نمودنما، دارای نقشی فعال است.

حالت بی‌نشان و به‌منظور ایجاد ساختی منفی، نشانه نفی جمله به ابتدای فعل افزوده می‌شود. همان‌گونه که پیش از این نیز گفته شد، به‌پیروی از طالقانی (۲۰۰۸)، این فرض پذیرفته شد که تظاهر تکواژشناختی مفهوم نمود در زبان فارسی به‌صورت پیشوندهایی است که در جایگاه بلافصل پیش از فعل اصلی قرار می‌گیرند. این امر نیز کمابیش بدیهی تلقی می‌شود که پیشوند (نمودساز) التزامی در فارسی بیشتر از زنجیره ابتدای فعل حذف می‌شود، اما با توجه به القای نمود التزامی با فعل حتی در غیاب پیشوند التزامی و نیز عدم امکان حذف عنصر نمودنمای اخباری از همان جایگاه، در نظر گرفتن نقش فعال نمود در جایگاه بلافصل پیش از فعل الزامی می‌نماید؛ از طرف دیگر، مفهوم نفی در زبان فارسی به‌طور عمده از نظر افزوده‌شدن پیشوند منفی به جایگاه پیش از فعل القا می‌شود؛ پس این نتیجه‌گیری اجتناب‌ناپذیر است که شیوه ساخت افعال منفی در هریک از نمودهای اخباری و التزامی با افزودن پیشوند منفی به حاصل ترکیب پیشوند نمودساز + فعل (مثال ۱۱) یا فعل کمکی در جایگاه قبل از فعل اصلی (مثال ۱۰) حاصل می‌شود؛ از این رو، از آنجا که نشانه نفی در زبان فارسی پیش از نشانه نمود قرار می‌گیرد و نیز با توجه به اینکه جایگاه بی‌نشان عنصر پرسشی *آیا* در جمله در جایگاه آغازین جمله و بالاتر از نفی قرار دارد، تخصیص این عنصر پرسشی به جایگاه نمود پذیرفتنی نمی‌نماید:

(۱۰) آیا کسی نباید به این مسائل رسیدگی \emptyset کند؟

(۱۱) کنجکاو شده بود [CP که آیا چرا سارا ازدواج نمی‌کند؟]

شاهد چهارم، تعامل وجه^۱ با نمود در زبان فارسی است. یکی از ویژگی‌های جملات دارای عناصر وجهی^۲ در این زبان آن است که تظاهر ساخت‌وازی متمم این عناصر به‌صورت نمود التزامی است. از آنجا که جایگاه عناصر وجهی، در هسته گروه تصریف (= زمان) قلمداد شده (طالقانی، ۲۰۰۸) و مشخص‌گر این گروه نیز میزبان فاعل نحوی جمله تلقی شده است (انوشه، ۱۳۸۹)، بنابراین می‌توان استدلال کرد که جایگاه عنصر پرسشی *آیا* در حالت بی‌نشان بر فراز گروه زمان واقع است. این یافته همانند یافته قبل (ضمن اینکه گروه زمان و همچنین سایر گروه‌های موجود در دامنه این گروه را به‌مثابه جایگاه بالقوه عنصر پرسشی *آیا* مستثنی می‌کند، قرار گرفتن این عنصر در گروه نمود را نیز منتفی می‌سازد؛ زیرا گروه نمود در زبان فارسی در جایگاه بلافصل ماقبل گروه فعلی پوسته‌ای^۳ در نظر گرفته

1. modality
2. modals
3. vP

شده است (طالقانی، ۲۰۰۸: ۳):

- (۱۲) IP IP سارا I نباید $[vP]$ MoodP در خانه بماند؟
(۱۳) IP IP سارا I باید $[vP]$ MoodP در خانه نماند؟
(۱۴) IP IP چرا سارا I نباید $[vP]$ MoodP در خانه بماند؟
(۱۵) IP IP چرا سارا I باید $[vP]$ MoodP در خانه نماند؟

بنابراین، با استناد به شواهد پیش‌گفته می‌توان دریافت که عنصر پرسشی *آیا* در جایگاهی متفاوت نسبت به جایگاه نمود قرار دارد، جایگاهی که در سمت راست گروه فعلی پوسته‌ای واقع بوده و از سیطره گروه زمان نیز خارج است؛ بنابراین انتساب این عنصر پرسشی به گروه مورد بحث ادعایی بی‌اساس به نظر می‌رسد.

۳-۳- تبیین فرافکن پیشینه پیشنهادی

با مستثنی کردن گروه متمم‌نما از سمت بالا و گروه زمان و سایر گروه‌های تحت سیطره آن از سمت پایین به‌مثابه جایگاه نحوی بالقوه عنصر پرسشی *آیا* در ساخت سلسله‌مراتب دستوری جمله در زبان فارسی، این پرسش مطرح می‌شود که با توجه به فرضیه پیشنهادی متمم‌نمای انشاقی به‌وسیله ریتزی^۱ (۲۰۰۱) در بازنمایی (۱۶)، کدام‌یک از جایگاه‌های نقشی باقی‌مانده در میان این دو فرافکن ممکن است جایگاه مناسبی را برای این عنصر فراهم نماید:

16) FORCE (TOP*) INT (TOP*) FOC (TOP*) FIN IP

از میان فرافکن‌های موجود در این دامنه، گروه تأکید^۲ را نیز باید مستثنی نمود، گروهی که جایگاه پرسش‌واژه‌های موضوعی حرکت‌کرده (کریمی، ۲۰۰۵؛ کریمی و طالقانی، ۲۰۰۷) و نیز عناصر مؤکد در فارسی است. از آنجا که پرسش‌واژه‌ها در زبان فارسی تحت تأثیر عوامل نقشی - کلامی به حاشیه سمت چپ جمله جابه‌جا می‌شوند؛ بنابراین به‌پیروی از کریمی (۲۰۰۵) و کریمی و طالقانی (۲۰۰۷)، این فرض را می‌پذیریم که عناصر پرسش‌واژه‌ای موضوعی همچون *کی* (= چه کسی)، *کدام* و غیره در جایگاه مشخص‌گر گروه تأکید قرار می‌گیرند. اگر این فرض را در مورد عناصر پرسش‌واژه‌ای (و نیز سایر عناصر غیر پرسش‌واژه‌ای مؤکد) در زبان فارسی صادق بدانیم، در آن صورت ساخت‌هایی نظیر زیر تولید خواهد شد:

۱۷ الف. آیا $[FocP]$ کدام کشور حاضر است تن به این نبرد بدهد؟

ب. $[FocP]$ کدام کشور آیا حاضر است تن به این نبرد بدهد؟

۱۸ الف. لازم بود مشخص شود $[CP]$ که آیا $[FocP]$ چه کسی در این توطئه دست داشته است؟

ب. لازم بود مشخص شود $[CP]$ که $[FocP]$ چه کسی آیا در این توطئه دست داشته است؟

درحالی که در مثال‌های (۱۷ الف) و (۱۸ الف)، عنصر پرسشی *آیا* در جایگاهی بی‌نشان در جایگاه پیش از گروه تأکید قرار گرفته است، جملات متناظر آن‌ها در (۱۷ ب) و (۱۸ ب) که عنصر پرسشی *آیا* در دامنه گروه تأکید واقع شده، نشان‌دار محسوب می‌شوند. این امر بیان‌گر آن است که جایگاه عنصر پرسشی *آیا* در ساخت سلسله‌مراتبی جمله را باید بر بالای گروه تأکید در نظر گرفت. گروه محتمل دیگر، گروه مبتدا^۱ است که تعامل عنصر پرسشی *آیا* با آن نیز ممکن است ما را در درک جایگاه این عنصر یاری کند:

۱۹ الف. آیا $[TopP]$ گلدان را $[IP]$ علی به مریم داد؟

ب. $[TopP]$ گلدان را آیا $[IP]$ علی به مریم داد؟

۲۰ الف. در این فکر بود که آیا $[TopP]$ چنین پیشنهادی را چگونه ارائه دهد؟

ب. ! در این فکر بود که $[TopP]$ چنین پیشنهادی را آیا چگونه ارائه دهد؟

مثال‌های (۱۹ الف) و (۲۰ الف) جایگاه بی‌نشان و مثال‌های (۱۹ ب) و (۲۰ ب) جایگاه نشان‌دار عنصر پرسشی *آیا* را در مقایسه با عناصر مبتداده در بندهای اصلی و درونه‌ای می‌نمایاند. براساس این داده‌ها و با توجه به ترتیب خطی عناصر در ساخت نحوی جمله، به نظر می‌رسد که جایگاه ساختاری عنصر پرسشی مورد بحث را در حالت بی‌نشان، باید در یک فرافکن متفاوت بر فراز گروه مبتدا در نظر گرفت؛ بنابراین، با توجه به مفروضات پیش‌گفته مبنی بر مستثنی‌نمودن گروه متمم‌نما، گروه مبتدا، گروه تأکید و گروه زمان، لازم است فرافکن متفاوتی به عنصر پرسشی *آیا* تخصیص داده شود. تنها فرافکن موجود در حاشیه سمت چپ جمله که قادر است ملزومات *آیا* که عنصر پرسشی در جایگاه آغازین جملات پرسشی آری - نه و پرسش‌واژه‌ای در زبان فارسی را فراهم نماید، گروه پرسشی^۲ است. در نوشتار پیش رو پیشنهاد می‌شود که عنصر پرسشی *آیا* که جایگاه بی‌نشان آن در آغاز جملات پرسشی در این زبان است، در جایگاه هسته گروه پرسشی ادغام می‌شود. با در نظر گرفتن تقسیم‌بندی

1. Topic Phrase (TopP)
2. interrogative phrase

فرایند ادغام به دو نوع ادغام بیرونی و ادغام درونی در چارچوب برنامه کمینه‌گرا (چامسکی، ۲۰۰۱) و با توجه به جایگاه بی‌نشان عنصر پرسشی *آیا* در جایگاهی بین گروه منظوری و گروه مبتدا در حاشیه سمت چپ جمله، به نظر می‌رسد که ادغام این عنصر از نوع ادغام بیرونی است. در نظرنگرفتن این فرایند به مثابه فرایند ادغام درونی و عدم تلقی این جایگاه به منزله جایگاه ثانویه برای عنصر پرسشی مورد مطالعه را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که این جایگاه، برخلاف سایر جایگاه‌هایی که عنصر پرسشی *آیا* قادر است در آن‌ها ظاهر شود، بی‌نشان است.

اگرچه جایگاه عنصر پرسش‌واژه‌ای غیر موضوعی *چرا* در زبان فارسی در مشخص‌گر گروه پرسشی قلمداد شده است (نادری و درزی، ۱۳۹۳)، با این حال با توجه به این نکته که این عنصر پس از تولید در جایگاه اولیه خود در بند درونه‌ای (کریمی، ۲۰۰۵: ۱۳۹)، تحت تأثیر فرایند حرکت اجباری از آن جایگاه خارج می‌شود (کهنمویی‌پور، ۲۰۰۱)، در پژوهش حاضر به پیروی از کریمی و طالقانی (۲۰۰۷) این فرض پذیرفته می‌شود که برخلاف پرسش‌واژه‌های موضوعی که تحت تأثیر مشخصه تأکید، به جایگاه مشخص‌گر گروه تأکید جابه‌جا می‌شوند، در نظر گرفتن یک جایگاه برای *چرا* امکان‌ناپذیر است. در واقع، از آنجا که این عنصر از ویژگی‌های سوری^۱ برخوردار است، جایگاه ثانویه آن را باید با جایگاه ثانویه قیده‌های جمله یکی دانست (کریمی و طالقانی، ۲۰۰۷).

پيامد انتساب عنصر پرسش‌واژه‌ای موضوعی *چرا* به جایگاهی متفاوت نسبت به مشخص‌گر فرافکن پرسشی این است که افزون بر اجتناب از تولید زنجیره نشان‌دار و غیر معمول *چرا/آیا* در ساخت زبان فارسی، فرافکن پرسشی مورد بحث که در فاصله بین گروه متمم‌نما و گروه مبتدا قرار دارد نیز تنها به عناصری اختصاص داده خواهد شد که معین نوع جمله پرسشی هستند. افزون بر این، زنجیره بی‌نشان *آیا/چرا* در مقایسه با زنجیره نشان‌دار *چرا/آیا* نیز به درستی مؤید این واقعیت است که پرسش‌واژه افزوده‌ای *چرا* در جایگاهی پایین‌تر از عنصر پرسشی *آیا* قرار دارد.

براساس این، با توجه به تصویری که از جایگاه عنصر پرسشی *آیا* در ساخت سلسله‌مراتبی جمله ارائه شد، به نظر می‌رسد که انتساب عنصر پرسشی *آیا* به گروه نمود ناممکن است؛ همچنین، اشغال هسته گروه متمم‌نما (= منظوری) در زبان فارسی به وسیله عنصر متمم‌نمای که از یک‌سو و رخداده قاعده‌مند زنجیره عنصر متمم‌نما + عنصر پرسشی که *آیا* در ساخت‌های پرسشی آری - نه و پرسش‌واژه‌ای درونه‌ای در این زبان از سوی دیگر، بیان‌گر آن است که فرافکن بیشینه گروه پرسشی و نه

فراکن متمم‌نما، در حاشیه سمت چپ جمله را باید حائز ویژگی‌های لازم به‌منظور تعیین خوانش پرسشی جمله تلقی کرد.

این پدیده را می‌توان در چارچوب برنامه کمینه‌گرا این گونه تفسیر کرد که هسته گروه پرسشی حاوی یک مشخصه تعیین‌ناپذیر [پرسشی] است که باید در فرایند اشتقاق جمله، بازمینی و ارزش‌گذاری شود. در آن‌دسته از ساخت‌های پرسشی آری - نه و پرسش‌واژه‌ای که عنصر پرسشی *آیا* در ابتدای جمله واقع است، این عنصر طی فرایند ادغام بیرونی در جایگاه هسته گروه پرسشی ضمیمه می‌شود تا ضمن برآورده‌ساختن ملزومات ترتیب خطی زبان فارسی، تعبیر پرسشی جمله را نیز فراهم سازد. در ادامه، به بیان برخی شواهد فرازبانی پرداخته می‌شود که در آن‌ها، ضمن قائل شدن به دو جایگاه متفاوت برای عناصر متمم‌نمای خبری و پرسشی در حاشیه سمت چپ جمله در ساخت‌های پرسشی درونه‌ای، جایگاه عنصر (متمم‌نمای) پرسشی در هسته گروه پرسشی در نظر گرفته شده است.

۴- شواهد فرازبانی

اگرچه هسته گروه متمم‌نما به‌مثابه جایگاه پیش‌فرض برای تعیین خوانش پرسشی جمله تعیین شده است (ریتزی، ۱۹۹۷، ۲۰۰۱؛ چنگ، ۲۰۰۱؛ هاگستروم^۱، ۱۹۹۸). با این حال، همان‌گونه که پیش از این نیز گفته شد، این تعمیم برای زبان‌هایی مانند فارسی که این جایگاه به‌وسیله عنصر متمم‌نمای که اشغال شده است یا به‌عبارت دیگر، دو عنصر متمم‌نما به‌طور هم‌زمان و به‌صورت آشکار در ساخت‌های پرسشی درونه‌ای آن‌ها تجلی می‌یابد، ناکارآمد می‌نماید. در چنین حالتی، عنصر پرسشی مورد بحث را باید به جایگاهی پایین‌تر از جایگاه هسته گروه متمم‌نما تخصیص داد.

ویلسون^۲ (۲۰۰۵: ۴۲۵) از میان گروه‌های نقشی موجود در حاشیه سمت چپ جمله که به‌وسیله ریتزی (۲۰۰۱) ارائه شده است، تنها دو گروه را دارای ویژگی‌های لازم به‌منظور تولید عنصر پرسشی تلقی می‌کند: گروه منظوری و گروه پرسشی. وی به‌دلیل اشغال جایگاه هسته گروه منظوری با عنصری دیگر و همچنین به‌منظور عدم نقض محدودیت وجود عنصر دوگانه در هسته گروه متمم‌نما^۳ (چامسکی و لزنیک، ۱۹۷۷)، جایگاه تولید عنصر پرسشی *ke* در زبان مارشالی^۴ را به هسته گروه پرسشی تخصیص می‌دهد. این عنصر که در ساخت‌های پرسشی آری - نه در این زبان استفاده می‌شود، از این امکان

1. P. Hagstrom

2. H. Willson

3. Doubly-Filled COMP filter

4. Marshallese

برخوردار است که کمابیش در بیشتر جایگاه‌های جمله مانند قبل از قیدهای جمله، جایگاه بلافصل پس از فعل، جایگاه بلافصل پیش از مفعول و نیز در پایان جمله ظاهر شود:

21) Herman e-n (ke) bajjik (ke) kōmmon (ke) pade eo (ke) n#an ir (ke)?

H-3S-should Q just Q make Q party DET.S Q for 3PL Q

‘آیا هرمان باید برای آن‌ها مهمانی بگیرد؟’

(ویلسون، ۲۰۰۵: ۴۲۱)

بنابراین، مثال پیش‌گفته، ضمن اینکه شاهدهی را در زمینه حضور عنصر پرسشی در جایگاه هسته فرافکن بیشینه پرسشی فراهم می‌کند، تشابه رفتار توزیعی آزادانه عنصر پرسشی *ke* با عنصر پرسشی *آیا* در زبان فارسی را نیز نمایان می‌سازد.

افزون بر این رخداد آشکار و هم‌زمان عنصر متمم‌نما و عنصر پرسشی در هسته گروه منظوری و هسته گروه پرسشی به‌مثابه دو فرافکن بیشینه نقشی متفاوت در ساخت‌های پرسشی درونه‌ای نیز می‌تواند شاهدهی برای وجود دو گروه متمم‌نمای جداگانه در جملات خبری و پرسشی باشد؛ برای مثال، زنجیره *que si* که *آیا* در جملات پرسشی آری - نه درونه‌ای در زبان اسپانیایی نشان می‌دهد که این دو عنصر متضمن در نظر گرفتن دو جایگاه منظوری متفاوت در حاشیه سمت چپ جمله در این زبان هستند (ریتری، ۲۰۰۱):

22) Maria decfa/preguntaba **que si** no debie'ramos dejarlas en paz.

Mary was saying/was asking that if not should(l-p) leave them in peace

‘ماریا می‌خواست بداند که آیا نباید آنها را آزاد بگذاریم.’

(پلان، ۱۹۸۲: ۳۰۰)

23) Me preguntaron (**que**) **si** tus amigos ya te visitaron en Granada.

They asked me whether your friends had already visited you in Granada.

‘آنها می‌خواستند بدانند که آیا دوستان تو قبلاً تو را در کانادا ملاقات کرده‌اند.’

(سانر، ۱۹۹۴: ۳۴۹)

همچنین، در زبان ایتالیایی نیز پیشنهاد شده است که عنصر متمم‌نمای *se* در آغاز جملات پرسشی آری - نه درونه‌ای در جایگاهی قرار می‌گیرد که پایین‌تر از جایگاه مربوط به عنصر متمم‌نمای *che* در جملات خبری است. این تفاوت جایگاه، به دلیل تفاوت در رفتار توزیعی این دو عنصر متمم‌نما حاصل می‌شود، زیرا در حالی که قرار گرفتن عناصر مبتدا شده در جایگاه پیش و پس از *se* مجاز تلقی می‌شود،

che تنها قادر است پیش از عناصر مبتدأ شده قرار گیرد؛ به همین منظور، جایگاه عنصر *che* در هسته گروه منظوری و جایگاه عنصر *se* در هسته گروه پرسشی قلمداد شده است (ریتری، ۲۰۰۱):

24) a. Credo che a Gianni, avrebbero dovuto dirgli la verità
'I believe that to Gianni, they should have said the truth to him'
'معتقدم که باید حقیقت را به جیانی می گفتند.'

b. * Credo, a Gianni, che avrebbero dovuto dirgli la verità
'I believe, to Gianni, that they should have said the truth to him'
'معتقدم که باید حقیقت را به جیانی می گفتند.'

25) a. Non so se, a Gianni, avrebbero potuto dirgli la verità
'I don't know if to Gianni, they could have said the truth'
'نمی دانم که آیا می توانستند حقیقت را به جیانی بگویند.'

b. Non so, a Gianni, se avrebbero potuto dirgli la verità
'I don't know, to Gianni, if they could have said the truth'
'نمی دانم که آیا می توانستند حقیقت را به جیانی بگویند.'

نمونه‌های دیگر از کاربرد هم‌زمان عنصر متم‌نمای خبری با پرسشی از نوع پرسش‌واژه‌ای در زبان هلندی (کوپمان^۱، ۱۹۹۶) و سینهای^۲ (کی‌شی موتو^۳، ۲۰۰۵) قابل مشاهده است:

26) Ik vraag me af wie of dat er morgen komt.
I wonder who if that there tomorrow comes
'نمی دانم فردا چه کسی می آید.'

(کوپمان، ۱۹۹۶: ۱۶)

27) Ranjit [Chitra monəwa kieuwa də-næddə kiyəla] də danne?
Ranjit Chitra what read whether that Q know-E
'آیا رانژیت می داند که چیرتا چه چیزی می خواند؟'

(کی‌شی موتو، ۲۰۰۵: ۳۰)

افزون بر این، در زمینه ادغام بیرونی عنصر پرسشی در حاشیه سمت چپ جمله نیز شواهدی در دست است؛ برای مثال، سور^۴ (۲۰۰۷) با بررسی عناصر پرسشی آری - نه و پرسش‌واژه‌ای، پیشنهاد کرده است که در زبان‌های مختلف، عنصر پرسشی‌ای که حاوی مشخصه ارزش‌گذاری نشده [پرسشی] است، به صورت آشکار یا غیر آشکار در جایگاه هسته گروه تأکید به روش بیرونی ادغام می‌شود. این

هسته همچنین از یک مشخصه [پرسش‌واژه] [-Wh]) نیز برخوردار است. هدف از قائل شدن به یک عنصر پرسشی در جایگاه هسته گروه تأکید (یا گروه منظوری) این است که این عنصر باید بر عنصر پرسش‌واژه‌ای (پیش از آنکه دست‌خوش فرایند حرکت شود) تسلط سازه‌ای داشته باشد. در این رویکرد، در زبان‌هایی که دارای عنصر پرسشی در جایگاه پایانی جمله هستند، فرض شده است که پس از ادغام بیرونی عنصر پرسشی در جایگاه گروه تأکید، فرافکن بیشینه تأکید نیز تحت تأثیر مشخصه تأکید، به مشخص‌گر گروه تأکید جابه‌جا می‌شود؛ بنابراین، شواهد فرازبانی پیش‌گفته و شواهدی دیگر در این زمینه، بر لزوم در نظر گرفتن دو جایگاه متفاوت برای عناصر متمم‌نمای خبری و عناصر پرسشی در حاشیه سمت چپ جمله در ساخت‌های پرسشی (درونه‌ای) دلالت می‌کنند.

در چارچوب فرضیه متمم‌نمای انشقاقی که به‌وسیله ریتزی (۲۰۰۱) پیشنهاد شده است، این دو گروه به ترتیب گروه منظوری و گروه پرسشی هستند. بدین ترتیب، در زبان‌هایی که عناصر متمم‌نمای خبری و عناصر پرسشی در آن‌ها، خواه به صورت هم‌زمان (مانند فارسی) خواه به صورت غیر هم‌زمان (ایتالیایی)، در جمله تظاهر می‌یابد، هریک از این عناصر به دو فرافکن جداگانه تخصیص داده می‌شود؛ همچنین، به پیروی از ریتزی (۲۰۰۱) می‌پذیریم که در زبان‌هایی که فاقد هریک از این عناصر به صورت آشکار در ساخت جمله هستند، یک عنصر متناظر تهی در هسته هریک از گروه‌های مربوطه ایفای نقش می‌کند. نکته قابل توجه آن است که اگرچه در شواهد و داده‌های زبانی پیش‌گفته به‌طور عمده ساخت‌های پرسشی درونه‌ای بررسی شده است، با این حال در پژوهش حاضر با بسط یافته‌های حاصله به ساخت‌های پرسشی اصلی، تعمیمی کلی‌تر در زمینه جایگاه عنصر پرسشی *آیا* در جملات پرسشی درونه‌ای و اصلی در ساخت‌های پرسشی آری - نه و پرسش‌واژه‌ای در زبان فارسی ارائه می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر ابتدا با استناد به حضور آشکار یا غیر آشکار عنصر متمم‌نمای که در جایگاه هسته گروه متمم‌نما در بندهای درونه‌ای جملات پرسشی غیر مستقیم به ردّ فرضیه‌ای پرداخته شد که هسته گروه متمم‌نما را پذیرای عنصر پرسشی *آیا* تلقی می‌نماید (لطفی، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳)؛ سپس به ردّ فرضیه‌ای پرداخته شد که فرافکن بیشینه مرتبط با عنصر پرسشی *آیا* در ساخت سلسله‌مراتبی جمله را گروه نمود در نظر گرفته است (رقیب‌دوست، ۱۹۹۳). براساس این، هسته فرافکن بیشینه گروه پرسشی به‌مثابه جایگاه عنصر پرسشی *آیا* پیشنهاد شد. درواقع، این فرض مطرح شد که عنصر پرسشی *آیا* با فرایند ادغام

بیرونی، در جایگاه هسته گروه پرسشی قرار می‌گیرد تا ضمن بازیابی مشخصه ارزش‌گذاری نشده [پرسشی] موجود بر روی این هسته و همچنین برآورده‌ساختن ملزومات ترتیب خطی زبان فارسی، خوانش پرسشی جمله را نیز فراهم نماید.

منابع

انوشه، مزدک (۱۳۸۹). رویکردی مشخصه‌بنیاد به فرایندهای مبتداسازی و تأکید در زبان فارسی. پژوهش‌های زبانی، ۱ (۱)، ۱-۲۸.

نادری، محبوبه و علی درزی (۱۳۹۳). جایگاه ساختاری «چرا» در زبان فارسی. پژوهش‌های زبان‌شناسی، ۶ (۲)، ۸۹-۱۰۵.

References

- Bhatt, R. & J. Yoon (1991). On the Composition of COMP and Parameters of V2. *Proceedings of the West Coast Conference on Formal Linguistics, 10*, 41-52.
- Cheng, L. (1991). *On the Typology of Wh-Questions*. Doctoral Dissertation. Massachusetts Institute of Technology.
- Chomsky, N. (1995). *The Minimalist Program*. Cambridge, Mass: MIT Press.
- & H. Lasnik (1977). Filters and Control. *Linguistic Inquiry, 8* (3), 425-504.
- (2001). Beyond Explanatory Adequacy. *MIT Occasional Papers in Linguistics, 20* (1-28). Cambridge: MIT Press.
- Citko, B. (2014). *Phase Theory: An Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Darzi, A. (2008). On the vP Analysis of Persian Finite Control Constructions. *Linguistic Inquiry, 39* (1), 103-116.
- & S. Kwak (2015). Syntax and Semantics of Subjunctive Clauses in Persian. *Lingua, 153*, 1-13.
- del Mar Vanrell, M., F. Ballone, C. Schirru, & P. Prieto (2015). Sardinian Intonational Phonology: Logudorese and Campidanese Varieties. In: S. Frota & P. Prieto (Eds.), *Intonation in Romance* (pp. 317-349). Oxford: Oxford University Press.
- Ghomeshi, J. (2013). The Syntax of Pragmaticalization. *Proceedings of the 2013 Annual Conference of the Canadian Linguistic Association*. Available at: <http://homes.chass.utoronto.ca/~cla-acl/actes2013/Ghomeshi-2013.pdf> (Accessed January 10, 2016).
- Hagstrom, P. (1998). *Decomposing Questions*. Doctoral Dissertation. Massachusetts Institute of Technology, Cambridge.
- Hornstein, N. (2009). *A Theory of Syntax: Minimal Operations and Universal Grammar*. Cambridge/New York: Cambridge University Press.
- Karimi, S. (2005). *A Minimalist Approach to Scrambling: Evidence from Persian*. Berlin: Mouton de Gruyter.
- & A. Taleghani (2007). Wh-movement, Interpretation, and Optionality in Persian. In: S. Karimi, V. Samiiian, & W. Wilkins (Eds.), *Clausal and Phrasal Architecture: Syntactic Derivation and Interpretation* (pp. 167-187). Amsterdam:

- John Benjamins Publishing.
- (2008). Raising and Control in Persian. In: S. Karimi, V. Samiian, & D. Stilo (Eds.), *Aspects of Iranian Linguistics*, (pp. 117-208). Newcastle: Cambridge Scholars Publishing.
- Kahnemuyipour, A. (2001). On Wh-Questions in Persian. *Canadian Journal of Linguistics*, 46 (1-2), 41-61.
- Kishimoto, H. (2005). Wh-in-situ and Movement in Sinhala Questions. *Natural Language and Linguistic Theory*, 23, 1-51.
- Koopman, H. (1996). The Doubly Filled Comp Filter, the Principle of Projection Activation and Historical Change. In: F. Dupuis & M. Duchaine (Eds.), *Proceedings of DIGS IV*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lasnik, H. (2002). The Minimalist Program in Syntax. *Trends in Cognitive Sciences*, 6, 432-437.
- Lazard, G. (1992). *A Grammar of Contemporary Persian* (English translation). Costa Meca, CA: Mazda Publishers.
- Lotfi, A. R. (2000). Semantico-phonetic Form: A Unitarianist Grammar, Ms. *The 5th Linguistics conference*. Available at: <http://www.cogprints.org/1669/2/Semant.DOC> (Accessed January 2, 2016).
- (2003). Persian Wh-Riddles. In: C. Boeckx & K. K. Grohmann (Eds.), *Multiple Wh-Fronting* (pp. 161-186). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing.
- Mahootian, S. (1997). *Persian Descriptive Grammars*. London/New York: Routledge.
- Plann, S. (1982). Indirect Questions in Spanish. *Linguistic Inquiry*, 13, 297-312.
- Pollock, J. Y. (1989). Verb Movement, Universal Grammar and the Structure of IP. *Linguistic Inquiry*, 20 (3), 365-424.
- Raghibdoust, S. (1993). *Interrogative Constructions in Persian*. M.A Thesis. Canada: University of Ottawa.
- Rizzi, L. (1997). The Fine Structure of the Left Periphery. In: L. Haegeman (Ed.), *Elements of Grammar* (pp. 281-337). Dordrecht: Kluwer.
- (2001). On the Position 'Int(errogative) in the Left Periphery of the Clause. In: G. Cinque & G. Salvi (Eds.), *Current Studies in Italian Syntax* (pp. 287-296). Amsterdam: North-Holland.
- Seuren, P. A. M. (2004). *Chomsky's Minimalism*. New York: Oxford University Press.
- Soare, G. (2007). A Cross-Linguistic Typology of Question Formation and the Antisymmetry Hypothesis. *GG@G (Generative Grammar in Geneva)*, 5, 107-131.
- Suner, M. (1994). V-Movement and the Licensing of Argumental Wh-Phrases in Spanish. *Natural Language and Linguistic Theory*, 12, 335-372.
- Taleghani, A. (2008). *The Interaction of Modality, Aspect and Negation in Persian*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing.
- Willson, H. (2005). Marshallese Yes/No Questions and Remnant Movement. In: J. Heinz & D. Ntelitheos (Eds.), *UCLA Working Papers in Linguistics 12*, (pp. 421-435). Los Angeles, CA: Department of Linguistics, UCLA.

